ISSN: 2008-5079 / EISSN: 2538-2365
DOI: 10.22034/AAUD.2019.186092.1882

تشکیک در منشأ شباهت آثار هنرهای اسلامی (بر اساس آراء ملاصدرا)*

مائده کلانتری[1]- مهدی سعدوندی[2]**

۱. دانشجوی دکتری رشته مرمت بناهای تاریخی، دانشکده حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۷ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ انتشار: ۰۰/۰۳/۳۱

چکیده

«آثار هنری» در طیف گسترده خود، دارای تنوع و تفاوت بسیار هستند؛ اما در میان این همه تنوع، شباهت‌هایی نیز می‌توان یافت که موجب پیوند و وحدت این آثار متکثر می‌شود. شباهت آثار تا حدی فراگیر است که مستشرقین محدوده بزرگی از آثار در تاریخ و جغرافیا را با نام «هنر اسلامی» تشخص داده‌اند و آن‌ها را واجد ویژگی مشترک دانسته‌اند. سؤال اینجاست که شباهت و اشتراک آثار هنرهای اسلامی در چیست؟ این پژوهش از منظر جدیدی مبتنی بر مبانی نظری مولد این آثار، به موضوع پرداخته است که می‌تواند در شناخت آثار هنری ابعاد دیگری را مطرح نماید. لذا با نگاهی عمیق‌تر به نظام عالم، و بر اساس نظریه وحدت تشکیکی وجود که تبیین وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است، این فرضیه مطرح می‌شود که امری واحد میان آثار هنری مشترک است. سپس سؤال دوم پژوهش این گونه مطرح می‌شود که نظریه تشکیک صدرا چگونه وحدت آثار هنری در عین تکثر آن‌ها را توجیه می‌کند؟ نظریه تشکیک بیان می‌دارد وجود، حقیقت مشکک ذومراتبی است که عامل وحدت عالم متکثر است. هر پدیده در عالم بنا به ظرفیتی که دارد بهره‌ای از وجود برده است. با تعمیم نظریه تشکیک از عالم به مجموعه آثار هنری، اثبات می‌شود آنچه منشأ و عامل شباهت و پیوند مجموعه متکثر آثار هنری است یک امر واحد بیش‌تر نیست؛ امری از سنخ وجود، نور و زیبایی. در حقیقت بن‌مایه و آنچه میان آثار هنری و بالاخص آثار هنرهای اسلامی مشترک است محتوای معنایی آن است که انعکاس و بیان حقایق اعلی است. اما آثار هنری در بیان حقیقت نسبت به هم قدرت و قابلیت کم‌تر و بیش‌تر دارند که ناشی از درجات متفاوت ظرفیت وجودی هر اثر هنری است. در نهایت می‌توان گفت منشأ شباهت آثار هنری تجلی امری واحد در مراتب متعدد است.

واژگان کلیدی: آثار هنری، هنرهای اسلامی، شباهت، معنا، تشکیک، ملاصدرا.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تشابه و تمایز در حفاظت از آثار معماری» در دانشگاه هنر اصفهان و با راهنمایی اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر هادی ندیمی، نویسنده دوم و مشاوره جناب آقای دکتر مهدی امامی جمعه در دانشگاه اصفهان و دانشکده ادبیات می‌باشد.

** E_mail: ma.kalantari91@yahoo.com

۱. مقدمه

آثار هنری عموماً طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند و طبیعتاً دارای تنوع و تفاوت بسیار هستند. آثار با کاربردهای متفاوت، متشکل از مواد و اجزاء متفاوت و در نتیجه فنون اجرایی متفاوت، ابعاد و نقوش و رنگ‌های متفاوت، متعلق به دوران‌ها و زمان‌های گوناگون و متعلق به سرزمین‌ها و اقلیم‌ها و فرهنگ‌های متفاوت قطعاً گستره بسیار متنوعی را تشکیل می‌دهند. اما در میان این همه تنوع، شباهت‌هایی نیز می‌توان یافت که موجب پیوند و وحدت این آثار متکثر می‌شود. چنانچه مستشرقین محدوده‌ای از این گستره متنوع آثار در تاریخ و جغرافیا را با نام «هنر اسلامی» تشخص داده‌اند و در حقیقت با وجود تکثر صوری، اشتراکی میان آن‌ها یافته‌اند.

آنچه بدیهی است این است که تشابه به صورتی بسیار گسترده در این مجموعه متکثر وجود دارد. آن‌چنان که هیچ کس نمی‌تواند پیوند و وحدت هنر اسلامی را منکر شود؛ چه در زمان و چه در مکان. زیرا این وحدت آشکار و بدیهی است. چه انسان به مشاهده مسجد قرطبه بپردازد؛ چه در مدرسه بزرگ سمرقند تأمل کند؛ چه مزار عارفی را در مغرب ببیند. گویی یک نور و فقط یک نور در تمام این آثار هنری متجلی است. پس باید پرسید خصلت و ماهیت این وحدت چیست؟ (Burckhardt, 1997, p. 65) که موجب شباهت در این طیف گسترده آثار می‌شود. شرق‌شناس فرانسوی، ژرژ مارسه، نیز بیان مشابهی دارد و می‌گوید در تصویر یک قطعه گچبری متعلق به مسجد قرطبه و صفحه‌ای از یک قرآن تزیین شده مصری و یک ظرف مسین قلمزده ایران وجوه مشترکی وجود دارد که آن‌ها را به یکدیگر پیوسته می‌سازد و عبارت است از «روح هنر اسلامی» (Madadpour, 2008, p. 246). عفیف البهنسی (Albahnassi, 2006, p. 34) نیز درباره هنرهای اسلامی و ارتباط آن با سرزمین‌ها می‌نویسد: «اگر ما به یک جلد قرآن چاپ ترکیه نگاهی بیندازیم، یا حوض آب اسپانیایی، یا شمشیر دمشقی، یا پارچه موصلی یا آفتابه مسی ایرانی، بدون تردید ما در نسبت آن با هنر اسلامی شک نمی‌کنیم.» بنابراین با وجودی که هنر اسلامی متضمن سبک‌های بسیاری است، پدیده «گوناگونی در یگانگی» یا «یگانگی در گوناگونی» در آن قابل بازشناسی است (Burckhardt, 1986, p. 127). حال سؤال اینجاست که حقیقتاً عامل وحدت و پیوند میان این کثرت و وجه اشتراک و شباهت آثار متعلق به هنرهای اسلامی چیست؟ با تأمل در پرسش تحقیق و با در نظر گرفتن مجموعه آثار هنری به‌عنوان زیر مجموعه نظام عالم که وحدت در پس کثرت آن وجود دارد، به نظر می‌رسد نظریه تشکیک وجود ملاصدرا که تبیین نسبت و ربط وحدت و کثرت امور است، می‌تواند در مورد آثار هنری نیز راهگشا باشد. بنابراین، این فرض مطرح می‌شود که امری واحد میان آثار هنری مشترک است که وجود آن منشأ وجود شباهت آثار است. اما همه آثار در برخورداری از آن یکسان نیستند و لذا زمینه ظهور کثرت و تفاوت نیز مهیاست.

به منظور پاسخ به پرسش تحقیق ابتدا به چیستی اثر هنری و «معنا» که وجه ممیزه این گونه آثار از سایر مصنوعات بشری است، پرداخته می‌شود. سپس با توجه به محدوده تحقیق چیستی معنا در آثار هنرهای اسلامی مطرح می‌شود. در ادامه به بیان نظریه تشکیک پرداخته می‌شود تا بر اساس نظریه تشکیک که تبیین وحدت موجودات در عین کثرت است، عامل شباهت و اشتراک آثار هنری متکثر تبیین شود. در این راستا تشکیک در وجود و نور و سپس یکی از ویژگی‌های اصلی آثار هنری یعنی زیبایی بیان می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

عموماً آثار هنری به دلیل تنوع و گستردگی در محدوده‌های معینی به لحاظ تکنیک، سبک، دوره تاریخی، منطقه جغرافیایی و غیره مورد پژوهش قرار می‌گیرند. در مواردی مانند مطالعه تاریخ هنر مجموعه کلی آثار هنری مدنظر قرار گرفته‌اند. از آن جمله هلن گاردنر در کتاب «هنر در گذر زمان»، هانس گامبریچ در کتاب «تاریخ هنر»، پرویز مرزبان در کتاب «خلاصه تاریخ هنر» و غیره به سیر تاریخ هنر در اقصی نقاط جهان پرداخته‌اند. در این آثار تاریخ هنر به صورت مجموعه‌ای از سبک‌هایی است که مانند امواجی پیوسته در پی هم می‌آیند و هر شیوه متأثر از شیوه‌های قبلی شکل می‌گیرد. در حقیقت در این منابع، شباهت آثار هنری در زمان و منطقه‌ای محدود، مورد توجه قرار می‌گیرد و معرف سبک خاصی می‌شود؛ برای نمونه رنسانس ایتالیا.

مطالعات دیگری توسط مستشرقین صورت گرفته است که طیف گسترده‌تری از آثار را مشابه و هم سنخ پنداشته‌اند و با نام «هنر اسلامی» یا «معماری اسلامی» تشخص داده‌اند. اولگ گرابار، جاناتان بلوم، هنری استیرلن، و غیره از جمله افرادی هستند که آثار متعلق به کل تاریخ اسلام (تا پیش از دوران جدید) و در خطه جغرافیایی گسترده‌ای از هند تا مراکش و اسپانیا را با وجود تکثر بسیار به نوعی هم جنس و ذیل یک نام مشترک دانسته‌اند. سنت گرایانی چون تیتوس بورکهارت، سید حسین نصر، نادر اردلان و غیره نیز مفاهیم و معانی مشترکی را عامل وحدت و یکپارچگی این مجموعه عظیم دانسته‌اند. اما تبیین اشتراک این آثار متکثر از طریق یک نظرگاه فلسفی موضوعی بدیع است که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است.

بدین منظور نظریه تشکیک ملاصدرا که راهگشای بسیاری از مسائل فلسفی بوده است انتخاب شد. بحث تشکیک نخست در علم منطق طرح شده و از آن جا به فلسفه راه یافته است. در بیان سابقه این نظریه در فلسفه برخی بر این باور هستند که می‌توان اولین رد پاهای فلسفی بحث تشکیک را در فلسفه ارسطو پیدا کرد (Rahmani,

2002, p. 73). پس از آن حکمای مشائی ماهیات را بری از تشکیک دانستند و برای تبیین فلسفی امور ناقص و کاملی که در جهان هستند، قائل به تشکیک در اعراض شدند. مقصود از مفاهیم عرضی، مفاهیمی همچون سفید و سیاه و گرم و سرد است که حاوی نسبت هستند و بر خلاف مفاهیم ذاتی مانند سفیدی و سیاهی و گرمی و سردی، مستقیماً در خارج دارای ما به ازاء نمی‌باشند. آنچه در خارج هست موضوع (ذات) و عرض است. به‌عنوان مثال آنچه در خارج هست «جسم» و «سیاهی» است، نه خود سیاه. به تعبیر دیگر تفاوت در ذات است و نه در خود عرض، بلکه در کیفیت عروض عرض بر ذات است که شدت و ضعف معنا پیدا می‌کند (Ibn Sina, 2000, p. 46). در مقابل نظر حکمای مشاء شیخ اشراق صریحاً قائل به تشکیک در ماهیت شد. سهروردی نشان داد تمایز منحصر به سه‌گانه معروف (تمایز به تمام ذات، تمایز به فصل، و تمایز به امور عرضی) نمی‌شود و لذا قسم جدیدی در تمایز باز کرد که همان تمایز تشکیکی است و تصریح کرد که تفاوت به نقص و کمال در هیچ یک از اقسام سه گانه فوق نمی‌گنجد (Ibrahimi Dinani, 1988, p. 265). وی در مقاله اول از بخش فلسفی حکمه الاشراق به نوعی بحث تشکیک در نور را مطرح می‌کند. با آمدن ملاصدرا بحث تشکیک صبغه دیگری به خود گرفت. وی کار مهم خود را تبیین رابطه وجود و ماهیت از طریق نظریه اصالت وجود می‌دید. برای او این پرسش مطرح شد که آیا حقیقت خارجی وجود، یک حقیقت واحد مشکک است یا در خارج حقایق متکثر متباینی داریم؟ طرح این مسئله جدید موجب شد که مسئله تشکیک که یک بحث نسبتاً فرعی در فلسفه‌های پیشین بود، به یکی از دو مسئله اصلی در حکمت متعالیه تبدیل شود.

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت در فلسفه، نظریه تشکیک چند گام اصلی طی کرده است: گام نخست، قول به تشکیک اعراض؛ گام دوم، قول به تشکیک در ماهیت؛ گام سوم، قول به تشکیک در نور؛ و در نهایت گام آخر را ملاصدرا برداشت و به تشکیک در وجود رسید (Souzan-chi, 2005, p. 106). اهمیت نظریه تشکیک در آن است که بر تمامی کثرات عالم سایه افکند و به پاسخ سؤال از وحدت و کثرت واقعیت و تبیین ربط و نسبت آن دو پرداخت که در نهایت به وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت فتوا می‌دهد.

شکل ۱: پیشینه نظریه تشکیک

۳. محدوده مورد مطالعه

در این پژوهش آثار هنری سنتی و مربوط به سرزمین ایران پس از اسلام مد نظر قرار گرفته‌اند. آثار متعلق به دوران پیش از تجدد که هنوز از جریانات مدرنیسم غربی تأثیر نگرفته‌اند. آنچه در این پژوهش «اثر» و یا «اثر هنری» نامیده می‌شود شامل هر شیء مصنوع انسانی است که با اندیشه و آگاهانه ساخته شده است. اعم از آنچه با عنوان «اشیای هنری» و یا «صنایع دستی» می‌شناسیم و البته باید در نظر داشت در دوران سنت آثار کاربردی و هنری دو گونه متفاوت و مجزا نبودند. در حالی که هنرمند

همان صنعتگر و مفهوم سنتی پیشه با مفهوم هنر یکی بوده است (Guenon, 1982, p. 74). یعنی اثری صرفاً به لحاظ تزیینی و جنبه زیبایی‌شناسی ساخته نمی‌شد. بلکه هر اثری برای رفع نیازی خاص و با کاربرد مشخص ساخته می‌شد. بنابراین جنبه کاربردی و زیبایی‌شناسی هم زمان مد نظر قرار داشت (Burckhardt, 1986, p. 204). از این رو وقتی صحبت از اثر هنری سنتی است، طیف گسترده‌ای از اشیای کاربردی که در بطن زندگی سنتی استفاده می‌شدند را در بر می‌گیرد.

۴. چیستی اثر هنری

انسان، به واسطه خلقت ویژه خود که هم بعد جسمانی و هم بعد روحانی دارد، این قابلیت را داراست که آثاری خلق کند که صرفاً «شیء» نیستند بلکه علاوه بر ظاهر و صورت مادی و ملموس، واجد معنا و محتوا می‌باشند و اشاره به مفاهیم دیگری دارند و بدین اعتبار «اثر» هستند[۱]. تفکیک «اثر هنری» از سایر اشیاء ساخته شده توسط انسان نیز به دلیل داشتن محتوای معنایی است. به عبارتی به وسیله هنر چیزی از خفا به درآمده و از باطن به ظهور می‌رسد. از این رو اثر هنری صرفاً ترکیبی از عناصر و مواد و مصالح نیست، بلکه حاوی و ناقل مفاهیم و معانی است. بنابراین زبان اثر هنری زبان اشارت است و این جنبه تمثیلی و اشارت اثر هنری موجب تفاوت کیفی میان اثر هنری و اشیای دیگر می‌شود.

انسان هنرمند از طریق کشف و شهود، حقیقتی در ذهن می‌یابد. سپس با مدد از قوه خیال و ابداع، آنچه بیان کردنی نیست را به واسطه ماده بیان می‌کند و یک امر نامحسوس را به امری محسوس تبدیل می‌کند یا از یک عالم به عالم دیگر و یا از باطن به ظاهر انتقال می‌دهد (Madadpour, 1993, p. 10). بدین اعتبار، هنر، جلوه محسوس نامحسوس است (Madadpour, 1992, p. 96). اما این پایان کار نیست؛ اثر هنری، ناقل این معناست. هر بار که فردی با اثر مواجه می‌شود این معنا، بنا به ظرفیت خوانش فرد، می‌تواند از اثر به انسان انتقال یابد و این بار اثر هنری در مسیر بر عکس ایفای نقش می‌کند؛ به واسطه کالبد مادی، محتوای معنایی را ایجاد می‌کند. این بار انسان ابتدا کالبد فیزیکی و محسوس را درک می‌کند سپس معنایی عمیق‌تر در خیال او نقش می‌بندد.

در دوران سنت آثار به نحوی ساخته می‌شدند که بتوانند علاوه بر تناسب با کاربرد خود، به منزله «پایه» تفکر و تأمل باشند و از این راه فرد را با امر دیگری جز حالت جسمانی صرف مربوط سازند و هر کس را به حسب قابلیتش در اعتلای به سوی کیفیتی عالی‌تر یاری دهند (Guenon, 1982, pp. 131-132). ازاین‌رو هنر را می‌توان از یک سو حاصل سیر نزولی خلقت با واسطگی انسان در مقام هنرمند دانست و از سوی دیگر دارای جایگاهی در سیر صعودی انسان و بازگشت به مبدأ. در سیر از حق به خلق، صورت مادی و تنزل یافته حقایق دریافتی و مشاهدات غیبی و خیالی وی و هم زمان تلاش برای صعود دوباره از خلق به حق است (Shajari & Tabatabaei, 2016, pp. 36, 40).

شکل ۲: خلق و خوانش اثر هنری

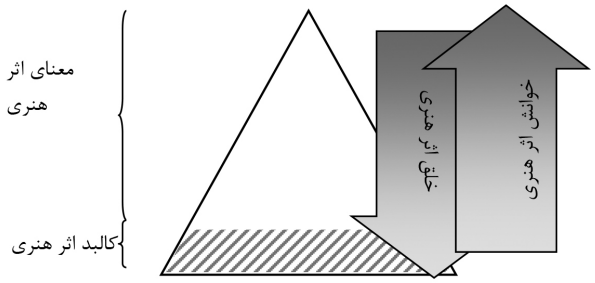

۵. معنا در هنر اسلامی

چنانچه بیان شد مشخصه اثر هنری از سایر مصنوعات بشر، محتوای معنایی آن است. حال به تبیین چیستی معنا در حیطه آثار هنر سنتی و اسلامی پرداخته می‌شود. از منظر سنت و در جامعه سنتی توجه اصلی بشر به امور معنوی و باطنی است. در این نگاه، انسان، فانی و محدود به کالبد فیزیکی خود در عالم ماده انگاشته نمی‌شود. بلکه هدف اصلی او جهان پس از مرگ (گذر از ماده) و تعالی معنوی است. با این نگاه و در نگرش سنتی (مذهبی)، بودن این انسان در این جهان مقدمه‌ای برای بودن جاودان او در جهان دیگر است (Vosoughzade, Hasani Panah, & Alikhani, 2017, p. 57). در چنین بستر فکری تمام اعمال انسان در همه وجوه رنگ معنوی دارد و در راستای تقرب و بازگشت به خداوند شکل می‌گیرند. از این نظر گاه و با علم به این‌که انسان در جهانی زیست می‌کند که فقط یک مبدأ و یک مرکز دارد، عمل انسان، زیستن انسان و مردن انسان همه برای خداست[۲]. پس زندگی و اعمال و اندیشه‌های انسان رو به آن مرکز یگانه دارد (Nasr, 2001, p. 133) و لذا هدف و غایتی معین و معنوی به کلیه رفتارها، فعالیت‌ها و ساخته‌های انسان شکل و جهت می‌دهد.

بنابراین در دوران سنت همه چیز به مراتب بالاتر هستی مرتبط پنداشته می‌شد و فضاهای سنتی به تبع تفکر حاکم بر پدید آورنده خویش مرکز و محوری داشت که به ابدیت، به آسمان، به الوهیت، و به خالق جهان اشاره داشت (Naghi zade, 2003, p. 177). یعنی مصنوعات انسان در سطحی با هدف رفع نیاز معیشتی؛ و از آنجا که انسان همواره نگاهی هم به عالم بالا داشت، در سطحی دیگر با هدف تسهیل تقرب به حقیقت اعلی ساخته می‌شد. از این رو آثار هنری سنتی سراسر تذکر و به یاد آورنده و هدایت‌کننده به سمت ارزش‌های معنوی هستند (Ibid, p. 180). بنابراین اندیشه و تفکر غالب انسان در دوران سنت که توجه به عالم ماوراء ماده بوده است، محتوای کلی معنایی آثار هنری را شکل می‌دهد و می‌توان گفت تفاوت و تکثر در مجموعه آثار هنری سنتی و از جمله هنر اسلامی، مربوط به نیازها، عوامل و شرایط زمینه‌ای متعدد، متفاوت و متغیر است. اما آنچه میان این آثار مشترک است و موجب پیوند آن‌ها به هم می‌شود این است که آثار سنتی با ایجاد فضایی روحانی در اطراف خود نوعی کیفیت و آرامش روحی ایجاد می‌کنند و موجبات رشد و تعالی روحی انسان را فراهم می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت غایت و کمال آثار هنری تجلی و انعکاس حقایق برتر است. با این معیار، آثار هنری سنتی همه تجلی مفاهیم مشترک و مانند شعاع‌های متفاوت از یک منبع نور هستند.

در هنرهای اسلامی نیز مانند سایر هنرهای سنتی از ماده برای بیان معانی والا بهره برده می‌شود و اصل و جوهر، انتقال پیام الهی از طریق واسطه‌های خیالی و حسی هنری بدون تفکیک اثر هنری از پیام الهی است (Madadpour, 2008, p. 21). پس آثار از طریق رمز و تشبیه اشاره به معانی ملکوتی و عالم بالا دارد (Madadpour, 1992, pp. 97-98). بدین ترتیب اصول بنیادین اعتقادی در قالب صور و مفاهیم بیان می‌شوند. از جمله بنیادی‌ترین این اصول، وجود وحدت در بطن کثرت، سلسله مراتب تقرب به مرکز، وجود فضای تهی در میان، استفاده از نقوش انتزاعی گیاهی، توجه به آسمان و نور، هندسه مبتنی بر نقش دایره و غیره نام برد. بنابراین در آثار هنری متعدد می‌توان روح هنر اسلامی را دریافت که سیر از ظاهر به باطن اشیاء و امور است (Madadpour, 1995, p. 133) و در حالی که هیئت، قالب، ابزار و تکنیک همه هنرها با هم متفاوت است، اما همه در جستجوی حقیقت واحد هستند (Motakef, 1999, p. 199).

شکل ۳: نمونه‌ای از تجلی معانی و اصول اعتقادی در هنر

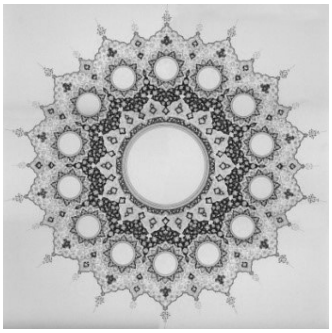

بنابراین باید این نکته را در نظر داشت اگر آثار معماری سنتی به لحاظی مشابهت‌هایی دارند، منشأ این شباهت محتوا و معنای مشترک میان آن‌هاست. یعنی اشتراک در امور درونی موجب شباهت در پوسته و امور ظاهری می‌شود. چرا که همه به طرق متفاوت به امر واحدی اشاره دارند. حال بر اساس نظریه تشکیک ملاصدرا چگونگی اشتراک در معنا تبیین می‌شود.

۶. مفهوم تشکیک

مفاهیم کلی را از نظر کیفیت صدق بر مصادیق به دو دسته تقسیم کرده‌اند: متواطی و مشکک. متواطی مفهومی است که صدق آن بر همه افراد یکنواخت باشد و افراد آن تقدم و تأخر یا اولویت یا اختلاف دیگری در مصداقیت برای آن مفهوم نداشته باشند. چنان‌که اسب و درخت و انسان بر مصداق‌های خود به‌طور یکنواخت دلالت دارند، و مثلاً انسانی از انسانی انسان‌تر یا درختی درخت‌تر، یا اسبی اسب‌تر از دیگری نیست. اما مشکک مفهومی است که بر یک معنی دلالت می‌کند و از مراتب متفاوت و متعدد برخوردار و صدق آن بر افراد و مصادیقش متفاوت است. و بعضی از آن‌ها از نظر مصداقیت برای آن مفهوم مزیتی بر بعضی دیگر داشته باشند (Mesbah Yazdi, 2003, p. 367). این تفاوت ممکن است در شدت و ضعف باشد. مانند «نور»، چنانچه از نور ضعیف شمع تا نور درخشان خورشید را در بر می‌گیرد و همه به یک نام خوانده می‌شوند (Ibra-himi Dinani, 2015, pp. 65-66).

این‌که برخی مفاهیم کلی را در منطق مشکک نامیده‌اند، به این دلیل است که انسان را به شک می‌اندازد که آیا این مفهوم از نوع مشترک لفظی است یا مشترک معنوی. چراکه از یک جهت افراد در آن مشترک‌اند و از جهت دیگر افراد در آن مختلف‌اند. همین موجب می‌شود انسان شک کند این مفاهیم از کدام نوع‌اند (Mozaffar, 2014, p. 65). هر چیزی که به حسب اصطلاح «مشکک» شناخته می‌شود،

از مراتب مختلف و متفاوت برخوردار است. مفهوم وجود از این قبیل است و اتصاف اشیاء به موجودیت یکسان نیست و بین آن‌ها تقدم و تأخر و اولویت‌هایی وجود دارد. چنان‌که صدق وجود بر خدای متعال که هیچ‌گونه محدودیتی ندارد با صدق آن بر وجودهای دیگر قابل مقایسه نیست (Mesbah Yazdi, 2003, p. 360).

۶-۱- وجود

از نظر ملاصدرا وجود از برترین مرتبه تا پایین‌ترین مرتبه و از پایین‌ترین مرتبه تا برترین مرتبه، یک سلسله به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد. همه موجودات در سطوح مختلف بهره‌مند از وجودند. آن‌ها از لحاظ بیرونی متکثر و از لحاظ درونی در وجود متحد و مرتبط با یکدیگر هستند (Akbarian, 2009, p. 59).

تشکیک در حکمت متعالی از دل دو اصل بیرون می‌آید: اصل اول: حقیقت هر چیز، وجود است و ماهیات، اعتباری است (اصالت وجود)؛ اصل دوم: حقیقت وجود یک حقیقت و سنخ بیش نیست و موجودات با هم وحدتی سنخی دارند. طبق این اصل تفاوت موجودات که حقیقت همگی نیز وجود است تفاوت تشکیکی است (وحدت وجود) (Mesbah Yazdi, 2012, pp. 98-99). به این معنا که آنچه موجب اشتراک در مراتب است، عین همان است که عامل اختلاف و تفاوت در آن‌ها شناخته می‌شود (Ibid, p. 120). به عبارتی این امر از ویژگی‌های وجود و شئون هستی به شمار می‌آید که ما به الاختلاف همان چیزی است که ما به الاتفاق شناخته می‌شود. بنا بر دستگاه تشکیکی حکمت متعالیه، تشبیه به گونه حقیقی در تمامی ساحات وجودی معتبر است. و در عین حال ساحت هر مرتبه از وجود برای خود، محفوظ و ادعای عینیت در دو مرتبه از وجود کاملاً مردود است و بین تمام مراتب وجود یک گونه تنزیه حقیقی و نه نسبی حکم فرم است. بنابراین در عین تنزیه، به تشبیه در همان ساحت قائل است (Naji Esfahani, 2017, p. 122).

از نگاه صدرا مفهوم وجود در ذهن ما مفهوم واحدی بیش نیست. بنابراین تمام آنچه یافت می‌شوند باید در ذات و اصل هویت خارجی‌شان با یکدیگر اشتراکی داشته باشند. این اشتراک و جهت وحدت، همان است که در اصطلاح صدرایی به «حقیقت عینی وجود» معروف است. این حقیقت عینی مراتب و شدت و ضعف دارد و گفته می‌شود که این حقیقت، یعنی وجود، یک «حقیقت واحد دارای مراتب» است (Javadi Amoli, 2003, p. 217). از این رو گفته می‌شود: وجود، حقیقت واحد مشکک ذومراتب است (Akbarian, 2009, p. 43).

همچنین نظریه تشکیک از جمع بین دو نظریه، یعنی نظریه وحدت وجودی (در دیدگاه عرفانی) و کثرت وجودی (در دیدگاهی شبیه دیدگاه منسوب به مشائین) حاصل شده است. مطابق نظریه تشکیک، وجود دارای حقیقت واحده‌ای است که این حقیقت واحده، دارای مراتب شدید و ضعیف است. یعنی از یک طرف، یک حقیقت واحده بیش‌تر نیست و از طرف دیگر، به صورت حقایق متعدد خارجی تحقق یافته است. ذکر این نکته نیز لازم است که اصل مسأله تشکیک بر کثرت طولی استوار است نه کثرت عرضی موجودات (Ibrahimi Dinani, 2002, p. 95). در نظریه کثرت نمود (تجلی) بر خلاف کثرت تشکیکی که حقیقت عینی وجود در عین این‌که وحدتی حقیقی دارد، دربردارنده کثرتی حقیقی در مراتب تشکیکی آن حقیقت واحد نیز هست. عرفا بر آن‌اند که وجود به‌عنوان حقیقت عینی و خارجی اصیل شناخته می‌شود، یکی بیش نیست. از نظر عارفان، پذیرش کثرت به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر، مستلزم پذیرش حقیقی بودن وصف وجود بر کثرات نیست بلکه این کثرات بالمجاز به وجود متصف می‌شوند (Yazdan Panah, 2009, p. 161). به عبارتی، در عرفان، تشکیک در مظاهر و تجلیات مورد تأیید است. به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت تشکیک در ظهور است؛ نه در مظهر. و این ظهور است که دارای مراتب است نه خود وجود. این ادعا تأکید می‌کند که کثرت مشهود، کثرت در وجود نیست. بلکه در مظاهر و شئون آن وجود مطلق است (Mousavi Azam, 2016, p. 109; Hasani, 2006, p. 21).

اهمیت تشکیک یا ذومراتب بودن وجود، در این است که «واحد» در عین «واحد» بودن، کثیر می‌شود و «کثیر» نیز در عین «کثیر بودن»، واحد شناخته می‌شود. مراتب متعدد هستی، بدون تردید با یکدیگر تفاوت دارند، ولی این تفاوت مراتب به وحدت و یگانگی آنچه دارای مراتب است، به هیچ وجه لطمه وارد نمی‌کند. به عبارتی دیگر، کثرت در عین وحدت و یگانگی در عین کثرت از خصلت‌های ذاتی وجود شناخته می‌شوند (Ibrahimi Dinani, 2015, p. 142).

۶-۲- نور

چنانچه بیان شد ملاصدرا قائل به جوهری می‌شود توصیف نشدنی به نام وجود که بیش‌تر یک نوع اشراق باطنی و تجربه درونی است (Akbarian, 2007, p. 48)، و مراتبی تشکیکی بر آن مترتب می‌شود. نظیر افکار او را در اندیشه‌های سهروردی می‌یابیم. سهروردی، ملقب به شیخ اشراق، ذات الهی را به‌عنوان «نورالانوار» مبدأ همه موجودات معرفی نموده و عالم را مراتب نور و ظلمت تلقی می‌کند. وی در نظریه فلسفی خود بیان می‌دارد که هستی غیر از نور چیزی نیست و هرچه در جهان است و بعد از این به وجود می‌آید نور است، لذا جهان جز اشراق نیست. منتها بعضی از نورها رقیق است و برخی غلیظ‌تر و برخی از انوار ذرات پراکنده دارد و پاره‌ای دیگر دارای ذرات متراکم است. وی معتقد است ملاک برای تفاوت درجه موجودات نوری است که هر یک دارند و این نور همان معرفت و آگاهی است. به این ترتیب جهان از نور اعلی

پدیدار می‌شود، بی آن‌که پیوستگی مادی و جوهری میان آن دو وجود داشته باشد.
حقیقت نور همواره واحد و یگانه است. نور فقط نور است و چنین نیست که نور ضعیف از نور و ظلمت ترکیب یافته باشد. نور ضعیف به همان معنی نور است که نور شدید نور است. شدت و ضعف از مراتب نور بوده ولی اختلاف در آن به وحدت آن لطمه وارد نمی‌کند (Ibrahimi Dinani, 2015, p. 288). بدین ترتیب نور که مانند وجود سبب مشخص شدن اشیاء می‌شود دارای بی‌نهایت درجات در شدت و ضعف است.

۶-۳- زیبایی

یکی از ویژگی‌ها و صفات مشترک در مخلوقات خداوند یا مصنوعات هنری انسان، القای زیبایی است. در هر اثر و هر مکان هر بار به شکلی متفاوت این زیبایی پدیدار می‌شود. با وجود صورت‌های متمایز احساس زیبایی که ادراک می‌شود یکی است. می‌توان گفت هر چه زیباست به این دلیل است که بازگوکننده و انعکاس صفت زیبایی و جمال الهی است، به حد ظرفیت خود. و به همین دلیل امر ثابتی است که در صور مختلف به درجات متعدد ظهور می‌کند. به قول غزالی: «هر جمال و حسن و تناسب که در این عالم محسوس است، همه ثمرات جمال و حسن آن عالم است. پس آواز خوش موزون و صورت زیبای متناسب هم شباهتی دارد از عجایب آن عالم» (Madad-pour, 1992, p. 195). بدین طریق «زیبایی» این گونه آثار ماندگار است و با گذشت زمان و تغییر سبک و سلیقه و مصالح و تکنیک‌های هر زمان، کمرنگ نمی‌شود. چرا که به زیبایی حقیقی متصل و انعکاس آن است.
بنابراین حقیقت خارجی زیبایی که به جلوه‌های مختلف در عالم ظاهر می‌شود، یک حقیقت نورانی بیش نیست (Khatami, 2014, p. 30). ظهور زیبایی از سنخ ظهور نور و وجود است. لذا بر حسب این‌که یک ماهیت در چه سطحی از مراتب نورانی وجود باشد از زیبایی در همان مرتبه برخوردار است (Ibid, p. 39). از این رو «زیبایی» نیز به مانند «وجود» و «نور» یک امر مشکک است. زیبایی یک حقیقت واحد و لذا مشترک معنوی است. هر چند شدت و ضعف در مراتب زیبایی مشاهده می‌شود، اما معنی آن در همه حال و در همه مراتب یکی است و به یک معنی بر مصادیق خود صدق می‌کند (Ibid, p. 29).
تجلی صفت جمال الهی را در همه عالم می‌توان مشاهده کرد. هیچ پدیده‌ای در عالم از زیبایی بی‌بهره نیست. فقط در شدت برخورداری از جمال تفاوت وجود دارد. به همین ترتیب می‌توان سایر صفات الهی را نیز مشکک پنداشت. زیرا عالم ماده، تجلی خداوند و صفات و اسماء الهی است. و صفات خداوند همپوشانی و توافق دارند. خداوند در عین حال که حکیم است، عادل است، در عین حال مهربان است، قهار است، باسط و قابض است، عالم است، گشاینده است، مصور است، و در آن واحد زیباست. از این رو پدیده‌های عالم، تجلی تمامی صفات الهی است. اما نه به یک میزان. هر بار در هر پدیده یا برخی دوران‌ها برخی صفات قوی‌تر تجلی می‌یابند. به بیانی دیگر و بنا بر دستگاه تشکیکی حکمت متعالیه، اوصاف کمالی بر خداوند و سایر موجودات مشترک معنوی است. و این اشتراک صرفاً در ساحت مفهوم نیست. بنابراین اصل، تشبیه به گونه حقیقی در تمامی ساحات وجودی معتبر است (Naji Esfahani, 2017, p. 122).

۷. تحلیل و جمع‌بندی

چنانچه بیان شد آثار هنرهای اسلامی به لحاظ محتوای معنایی و انعکاس حقیقت از اشیای دیگر متمایز و شامل انواع گسترده‌ای از هنرها می‌شوند. بنابراین این آثار بسیار متکثرند. هر چند استفاده از الگوهای هندسی، تناسبات معین، نقوش اسلیمی و گیاهی، تکرار نقوش، استفاده از متون قرآنی در تزیینات، و یا استفاده از گنبد، کاشی، حیاط در مرکز و غیره در معماری می‌توانند در ظاهر کالبدی گونه‌ای از آثار شباهت ایجاد کنند، اما ورای این شباهت‌های صوری، پیوندی پنهان در باطن آثار را پیوسته نگاه می‌دارد که موجب می‌شود تمامی آثار هنرهای اسلامی مجموعه‌ای واحد و هم خانواده محسوب شوند.
امروزه شناخت ما از این طیف گسترده آثار هنری بسیار متأثر از مطالعات مستشرقین می‌باشد. به‌گونه‌ای که حاصل این مطالعات اغلب پایه و منابع دست اول سایر مطالعات به شمار می‌آیند. اما از آنجا که این شناختی برون فرهنگی می‌باشد متمرکز بر جنبه‌های ملموس و کالبدی آثار است و لذا به‌طور عمده در بیان محتوا عاجز هستند. استفاده از آراء متقدمین و منابع فلسفی که زیر بنای فکر و اندیشه جامعه و البته هنرمندان بوده است، می‌تواند در شناخت آثار هنری نگاه جدیدی ارائه دهد.
بحث تشکیک در طی تاریخ فلسفه به تدریج تغییر و تکامل یافت و توسط ملاصدرا به اوج کمال خود رسید و به‌عنوان یک نظریه یکی از دو رکن اصلی فلسفه صدرا را شکل داد. نظریه تشکیک در فلسفه به خوبی ربط و نسبت میان کثرت و وحدت در عالم را تبیین کرده است. از این رو در این پژوهش از آن بهره گرفته شد تا بدین واسطه منشأ و چگونگی وحدت آثار هنری متکثر که موجب ظهور شباهت‌های صوری نیز هست، عیان شود. از طریق نظریه تشکیک اثبات می‌شود آنچه در تمامی آثار هنرهای اسلامی مشترک است یک امر واحد بیش‌تر نیست. امری از سنخ وجود، نور و زیبایی (همچنین سایر صفات خداوند). اما همه آثار هنری در برخورداری از آن ظرفیت یکسان ندارند و لذا آثار هنری در بیان حقیقت نسبت به هم قدرت و قابلیت کم‌تر و بیش‌تر دارند. چنانچه در مواجهه با برخی آثار یا مکان‌ها انسان به غایت، بیان حقیقت و زیبایی را ادراک می‌کند و در برخی آثار کم‌تر. حاصل این پژوهش

بر اساس آنچه در تاریخ فرهنگی ما دارای سبقه و پیشینه است، نگاه جدیدی در شناخت حقیقت آثار هنری فارغ از علل و عوامل مادی و کالبدی ارائه می‌دهد.

۸. نتیجه‌گیری

بن‌مایه یک تمدن، تفکرات و اندیشه فلاسفه و اندیشمندان آن فرهنگ و تمدن می‌باشد و ظهور و بروز ارزش‌های فرهنگی یک تمدن از طریق آثار هنری است. در مطالعات مربوط به آثار هنری سرزمین‌های اسلامی که به‌طور عمده توسط مستشرقین (از نگاه بیرونی و نه مبتنی بر مبانی نظری مولد آن) صورت گرفته است، غالباً شناخت و بررسی صورت و کالبد آثار مورد توجه است. حال آن‌که ویژگی خاص اثر هنری که آن را از اشیای دیگر متمایز می‌کند، نه ظاهر بلکه معنای مندرج در آن است که موجب می‌شود در مواجهه با اثر هنری همواره سیر از ظاهر به باطن صورت گیرد و علاوه بر صورت محسوس اثر، معنای آن در خیال انسان نقش ببندد. در هنرهای اسلامی از آنجا که غالب توجه انسان سنتی به امور فراتر از ماده است، محتوای معنایی آثار، انعکاس حقیقت اعلی و القای فضایی است که موجب تعالی و رشد معنوی انسان شود. بنابراین آنچه موجب پیوند و هم‌سنخی این گونه آثار می‌شود، پیام و محتوای واحدی است که به طرق متفاوت و متکثری بیان می‌شود. نظریه تشکیک که توسط ملاصدرا به کمال خود رسید و به بهترین صورت نسبت و چگونگی ظهور کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت را تبیین کرد، در مورد وحدت و پیوند آثار هنری در عین تکثر آن نیز راهگشا واقع شد. بنا بر نظریه تشکیک ملاصدرا می‌توان گفت معنا و منشأ شباهت آثار هنری امر واحدی از سنخ وجود، نور و زیبایی (همچنین سایر صفات الهی) است که آثار مختلف در برخورداری از آن یکسان نیستند و بنا به ظرفیت خود می‌توانند از آن بهره داشته باشند. مطابق این نظریه و از نگاهی جدید و متفاوت از مطالعات پیشین می‌توان بیان کرد در آثار هنری علاوه بر تفاوت‌های صوری و فنی، تفاوت در میزان برخورداری از معنا نیز در سطحی دیگر عامل تفاوت و تکثر می‌شود. به بیانی دیگر همه آثار هنری در معنا مشترک هستند اما هر اثر بنا به ظرفیت وجودی‌اش تا مرتبه‌ای به حقیقت متعالی اشاره دارد. به عبارتی دیگر، این تکثر حاصل تعدد درجات امر واحدی است و بدین‌جهت تفاوت آثار نیز ذیل منشأ شباهت آثار تبیین می‌شود.

پی‌نوشت

۱. غزالی در کتاب احیاء العلوم «شیء بما هو شیء» و «شیء بما هو اثر» را از هم تفکیک می‌کند. او نوشته است اگر کسی به یک قطعه شعر یا خط نظر کند و در آن به شاعر یا نویسنده‌اش نظر داشته باشد، آن را از آن حیث که «اثر» است نگریسته است. اما اگر در آن از این حیث که مرکبی بر روی یک کاغذ سفید است نظر کند، آن را «شیء بما هو شیء» دیده است (Emami Jome, 2006, p. 29).

۲. قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکی وَمَحْیای وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (سوره انعام آیه ۱۶۲) بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است.

REFERENCES

- Abedi, A. (2000). The Gradation in Islamic Philosophy. *Journal of Philosophical Theological Research,* (2) 5-6, 35-47. Doi 10.22091/PFK.2000.450. http://pfk.qom.ac.ir/article_450.html
- Akbarian, R. (2007). The "Essence" from Mulla Sadra's Point of View. *Journal of The Faculty of Letters and Humanities*, 51, 41-68. https://www.magiran.com/paper/561106
- Akbarian, R. (2009). The Place of Man in Mulla Sadra's Transcendent Wisdom. Tehran: Elm.
- Albahnassi, A. (2006). Islamic Art. Mahmoud Pour Aghasi. Tehran: Soore Mehr.
- Burckhardt, T. (1986). Art of Islam, Language and Meaning. Masoud Rajab Nia. Tehran: Soroush.
- Burckhardt, T. (1997). Eternal Values in the Islamic Art. Fundamentals of Spiritual Art: A Collection of Essays. Hossein Nasr. Tehran: Islamic Development Organization IR IRAN.
- Emami Jome, M. (2006). Philosophy of Art Stimming from Mullasadra's Approach to Love. Tehran: Art Academy.
- Guenon, R. (1982). La Regne de la Quantite et Les Signes des Temps. Alimohammad Kardan Pour. Tehran: Center of Academic Publisher.
- Hasani, H.R. (2006). Unity and Plurality of Existence in Transcendent Wisdom and Mysticism. *Journal of Philosophical Theological Research*, (7) 27, 3-24. doi 10.22091/PFK.2000.450 https://www.magiran.com/paper/389461
- Hoseini, A., Seydi, M., & Hashemi, H. (2018). A Criticism of the Theory of Fakhr Razi on the Quiddity of the Necessary Existence. *Qabasat*, (22) 86, 149-166. https://www.magiran.com/paper/1800427
- Ibn Sina, H. (2000). Taliqat. Qom: Islamic Development Office.
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (1988). Light of Thought and Intuition in Suhrevardi's Philosophy. Tehran: Hekmat.
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (2002). Unity and Plurality of Existence from Point of View of Transcendent Wisdom. *Islamic law Research Journal*, (8,9), 90-103. http://ensani.ir/fa/article/136285/%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA-%D9%88-%DA%A9%D8%AB%D8%B1%D8%AA-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (2015). From Sensible to Intelligible. Tehran: Iran Wisdom & Philosophy Institute.
- Javadi Amoli, A. (2003). Rahigh e Makhtoum. 2. Qom: Asra.
- Kavandi, S., & Qorbani, H. (2010). Ideal of Homonymy and Univocality of Essence in the Opinion of Fakhr Razi and Asir e Din Abhari. *Research Journal of Islamic Philosophy and Theology of Shahid Beheshti University,* (10) 3, 21-51. https://jipt.sbu.ac.ir/article_95060.html
- Khatami, M. (2014). Prolegomena for a Philosophy of Persian Art. Tehran: Art Academy.
- Madadpour, M. (1992). Spirtual Wisdow and Art Realm. Tehran: Islamic Development Organization.
- Madadpour, M. (1993). The Epiphany of theTruth in Art Realm. Tehran: Barg.
- Madadpour, M. (1995). The Manifestations of Spiritual Wisdom in Islamic Art. Tehran: Amirkabir.
- Madadpour, M. (2008). Intimacy Wisdom and Mystical Aesthetic of Islamic Art. Tehran: Soore Mehr.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2003). Philosophical Instructions. Tehran: Amirkabir.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2012). Philosophical Instructions, (2). Qom: Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Motakef, F. (1999). Art and Mysticism. Cistiy-e Honar. Tehran: Islamic Research Center. 198-210.
- Mousavi Azam, S.M. (2016). Semantics, Ontology and Origin of the Analytical Multiplicity in Transcendental Theosophy. *Ontological Researches,* (5)9, 105-125. http://ensani.ir/fa/article/359414/%D9%85%D8%B9%D9%86%D8%A7%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D-B%8C-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D9%88-%D8%AE%D8%A7-%D8%B3%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%87-%DA%A9%D8%AB%D8%B1%D8%AA-%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87
- Mozaffar, M.R. (2014). Description of Mantegh. Mohsen Gharavian. Qom: Darolfekr.
- Naghi zade, M. (2003). The Relationship between Traditional Spaces and the Nature of Man. *Letter of Culture*, 50, 168-185. http://ensani.ir/fa/article/265791/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%AA-%D9%81%D8%B6%D8%A7%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%86%D8%AA%D-B%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D8%B9%D8%AA-%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86
- Naji Esfahani, H. (2017). Revisiting of the Negative and Positive Theologies in the Gradation of Existence Theory. *Comparative Theology*, (7)16, 115-124. http://ensani.ir/fa/article/366342/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DA%A9%D8%A7%D9%88%DB%8C-%D9%85%D8%B3%D8%A3%D9%84%D9%87-%D8%AA%D8%B4%D8%A8%DB%8C%D9%87-%D9%88-%D8%AA%D9%86%D8%B2%DB%8C%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA-%D8%AA%D8%B4%DA%A9%DB%8C%DA%A9%DB%8C-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF

- Nasr, H. (2001). Knowledge and the Sacred. Farzad Haji Mirzaei. Tehran: Farzan.
- Rahmani, G.R. (2002). The Comparative of Aristotle. Qom: Bustaneketab.
- Shajari, M., & Tabatabaei, Z. (2016). Architectural Creativity in Transcendent Theosophy. *Hekmat e Mo'aser, Contemporary Wisdom*, (7) 20, 23-44. Doi: 10.30465/CW.2017.2517 http://wisdom.ihcs.ac.ir/article_2517.html
- Souzanchi, H. (2005). A Short History of Theory of Gradation of Existence. Rahnamoun (11, 12) 93-118. http://ensani.ir/fa/article/62972/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D-B%8C-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87-%DB%8C-%D8%AA%D8%B4%DA%A9%D-B%8C%DA%A9-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF
- Vosoughzade, V., Hasani Panah, M., & Alikhani, B. (2017). Wisdom of Number 8 in Art and Islamic Architecture. *Sophia Perennis*, (13) 30, 175-192. http://ensani.ir/fa/article/396333/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D8%B9%D8%AF%D8%AF-%D9%87%D8%B4%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D9%87%D9%86%D8%B1-%D9%88-%D9%85%D8%B9%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C
- Yazdan Panah, Y. (2009). Fundations and Principles of Theorical Mysticism. Qom: The Imam Khomeini Education & Research Institute.

نحوه ارجاع به این مقاله

کلانتری، مائده و سعدوندی، مهدی. (۱۴۰۰). تشکیک در منشأ شباهت آثار هنرهای اسلامی (بر اساس آراء ملاصدرا). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۴(۳۴)، ۱۴۷-۱۵۶.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.186092.1882

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_131916.html

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

ISSN: 2008-5079 / EISSN: 2538-2365
DOI: 10.22034/AAUD.2019.186092.1882

Skepticism over the Origin of Similarity of Islamic Works of Art Using Mulla Sadra Perspective*

Maedeh Kalantari[a]- Mahdi Saedvandi[b]**

[a] Ph.D Student of Conservation Historical Buildings, Faculty of Conservation, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

[b] Assistant Professor of Architecture, Faculty of Architecture, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received 17 May 2019; Revised 31 August 2019; Accepted 23 September 2019; Available Online 21 June 2021

ABSTRACT

"Works of art" are widely diverse. However, some similarities can be found throughout all this diversity that links and unifies these various works. Works are so pervasive that orientalists have identified great works of history and geography as "Islamic art" and considered them to share a common feature. The question is: What are the similarities of the Islamic works of art? This research has concerned this subject from a new perspective drawing upon theoretical foundations which can use other dimensions to identify works of art. Hence, viewing the existential system and using the Skepticism Theory of Unity of Existence, which explains unity in plurality and plurality in unity, it is hypothesized that one single phenomenon is common to works of art. Then, the second question of the research is: How does Sadra's Theory of Skepticism explain the unity of works of art while being plural? The Theory of Skepticism states that existence is a doubtful truth with different levels that establishes unity in a diverse and plural world. Every phenomenon in the universe takes benefit of existence according to its capacity. Generalizing the Theory of Skepticism from existence to a collection of works of art, it is substantiated that what constitutes the origin and cause of similarity that links diverse works of art is nothing but one thing; i.e., that of existence accompanied by light and beauty. In fact, the very essence shared by all works of art and especially Islamic works of art is their semantic content, which mirrors transcendental truths. However, works of art differ as to express the truth, which arises from some levels of existential capacity of each work of art. Finally, one would say that similar works of art originate from one single thing of various levels.

Keywords: Works of Art, Islamic Arts, Similarity, Signification, Doubt, Mulla Sadra.

* This article is an excerpt from the doctoral dissertation by the first author entitled "Similarities and differences on preservation of architectural works" at Isfahan University of Arts and supervised by Dr. Hadi Nadimi, as the second author and read by Dr. Mehdi Emami Jom'eh at the University of Isfahan and the Faculty Literature.

** E_mail: Ma.kalantari91@yahoo.com

1. INTRODUCTION

Works of art are diverse and generally extensive. Works with different uses, made from different materials and components, produced from different techniques, dimensions, patterns and colors, and dating back to different epochs and different lands and cultures, are certainly diverse and plural. However, some similarities can be found throughout all this diversity, that links and unifies these various works. Works are so pervasive that orientalists have identified great works of history and geography as "Islamic art" and considered them to share a common feature.

It is clear that these plural and diverse sets are largely similar, as no one can rule out the link and unity of Islamic arts either in time or in place, because this unity is already evident. Whether visiting the Córdoba Mosque, contemplation in the big school of Samarkand or visiting a mystical tomb in the West, one would behold a light illuminating all these works of art. So, it should be asked what the nature of this unity is (Burckhardt, 1997, p. 65) that makes all these works so similar. The French orientalist, Georges Marseille similarly states that there are similar aspects with an image of the Córdoba Mosque and a page of an Egyptian-decorated Qur'an and an Iranian engraved copper vessel, making them unite together. This similarity which binds them together is called "The Spirit of Islamic Art" (Madadpour, 2008, p. 246). On Islamic arts and their link with lands, Afif Albahnassi (Albahnassi, 2006, p. 34) is quoted as saying: "If we take a look at a volume of the Qur'an printed in Turkey, or a Spanish pool of water, or a sword from Damascus, or a piece of fabric made in Mosul, or even an Iranian copper-made water container, there will be no doubt they are related with the Islamic art." Thus, although Islamic art involves diverse styles, one would recognize the phenomenon of "plurality in unity" or "unity in plurality" (Burckhardt, 1986, p. 127). Now the question is: What does constitute the unity and link between this plurality and similarity in the works belonging to Islamic arts?

Reflecting on the research question and considering works of art as underlying the diverse and multiple existential system, the Mulla Sadra's Theory of Skepticism, which explains the relationship between unity and plurality of affairs seems to work out for arts. Therefore, it is hypothesized that there is one single phenomenon shared among the works of art whose existence constitutes the origin of similarity among the works. However, not all works enjoy this similarity equally, as plurality and difference are taken into account.

To answer the research question, it is first required to concern signification of a work of art, which distinguishes it from other human artifacts. Then, considering the research scope, signification in Islamic works of art is detailed. Later, the theory of skepticism is addressed to explain the cause of similarity and commonality of diverse works of art using the mentioned theory, which underlies the unity of existence while being plural and diverse. In this regard, skepticism over existence and light is one of the main features of works of art, namely beauty.

2. LITERATURE REVIEW

It is well-established that diverse techniques, styles, historical epochs, and geographical areas of works of art are generally studied and focused attention for research. In some cases, history studies a general collection of artworks. Included in these writings are Helen Gardner in the book "Art Over Time", Hans Gambridge in the book "History of Art", and Parviz Marzban in the book "Summary of the History of Art", etc. who have studied the history of art in all parts of the world. These works portray the art history as a set of styles that come after each other like continuous waves with each style influenced by the previous methods. In fact, in these works, the similarity of works of art in time and place is focused attention, representing a special style, such as the Italian Renaissance.

Other studies conducted by orientalists have included a wider range of similar works as distinguished by "Islamic art" or "Islamic architecture". Oleg Grabar, Jonathan Bloom, Henry Stirlen, etc. maintain that works dating back to the Islam history (before the modern era) spreading across a wide geographical area from India to Morocco and Spain, fall under a common name and style despite all the plurality and diversity they have had. Traditionalists such as Titus Burckhardt, Seyyed Hossein Nasr, Nader Ardalan, etc. have argued that the cause of unity and integrity in all works of art is represented by common concepts and signification. However, explaining the commonality of these multiple works is made possible through a novel philosophical perspective focused in this research.

For this, Mulla Sadra's Theory of Skepticism which helps entangle many philosophical issues was chosen. The discussion over skepticism was first introduced in Logic then found its way to Philosophy. Speaking of history of this theory in philosophy, some argue that the philosophical foundations of skepticism is traced to the Aristotle's philosophy (Rahmani, 2002, p. 73). This was followed by peripatetic scholars who considered the essence to be devoid of skepticism, dictating skepticism in accidents (eventualities) to philosophically explain the perfect and imperfect things that exist in the world. Accidental concepts include such concepts as white, black, hot, and cold that are interrelated and, unlike essence concepts such as whiteness and blackness and heat and coldness, do not have external consideration. What is outward is a subject of essence and accident. For example, what is outward is "body" and "blackness", not black itself. In other words, the difference lies with the essence not with the accident itself; rather it is through

the accidents overshadowing the essence where signification manifests (Ibn Sina, 2000, p. 46). Unlike peripatetic scholars, Sheikh Ishragh explicitly believed in skepticism over essence. Suhrewardi demonstrated that distinction was not entirely restricted to the famous trinity (as distinguished by perfect essence, separation and accidental affairs), thereby opening a new chapter in distinction which was the same as skeptical distinction, stating that difference by perfection and imperfection could be included in none of the three types (Ibrahimi Dinani, 1988, p. 265). In the first article, the section on Hikma Al-Eshragh (Wisdom of Ishragh), he concerns a type of skepticism over light. In the meantime, Mulla Sadra opened a new aspect of skepticism. He began to explain the relationship between existence and essence by the Theory of the Originality of Existence. For him, the question was whether the external truth of existence was a single truth to be doubted, or there were multiple outward truths. This new subject led skepticism, a relatively minor issue in previous philosophies, to develop into one of the two main issues in transcendent wisdom.

Put it simply, the theory of skepticism has gone through several main steps in philosophy: the first step being skepticism over accidents; the second step skepticism over essence; and the third step skepticism over light; Finally, this was Mulla Sadra who took the last step and came to express skepticism over existence (Souzanchi, 2005, p. 106). The theory of skepticism was significant in that it overshadowed all the multiplicities across the universe, responding to the question of the unity and plurality of truth and explaining the way those two were related, ultimately issuing a fatwa on unity in plurality and plurality in unity.

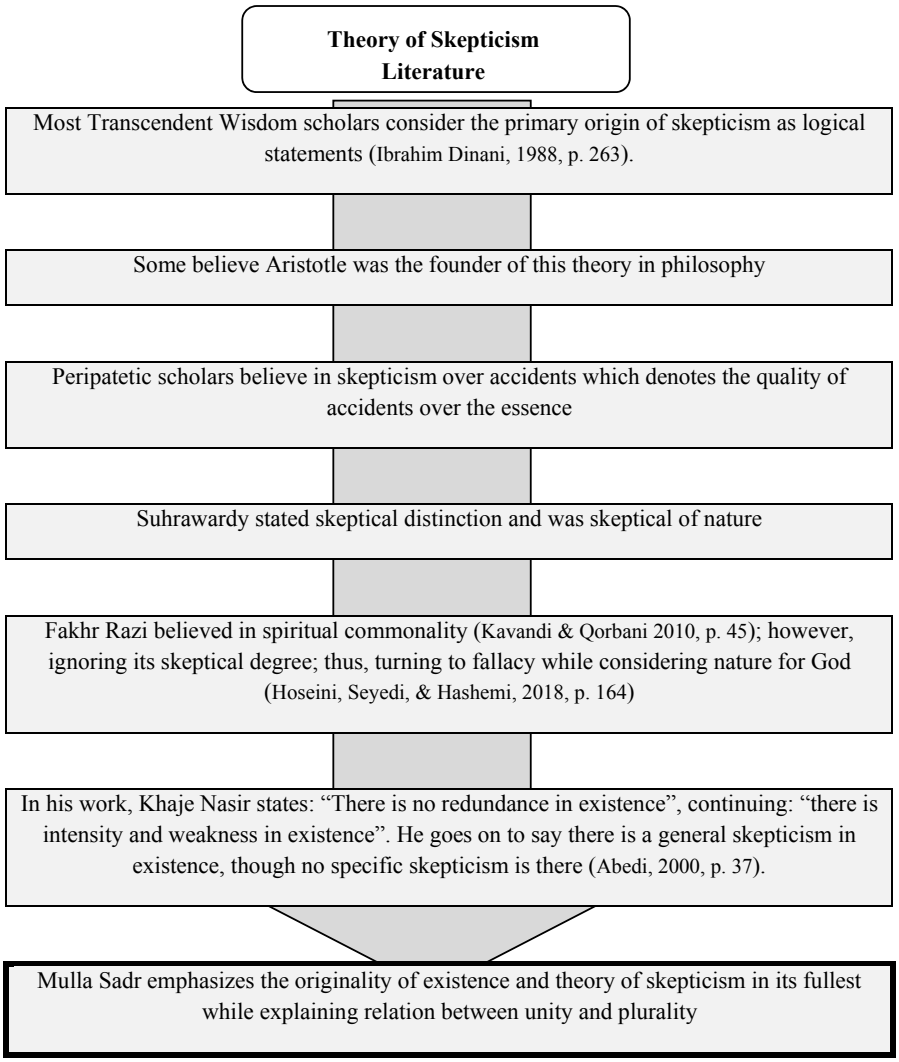

Fig. 1. Theory of Skepticism Literature

3. RESEARCH DOMAIN

This research covers traditional works of art pertaining to post-Islamic Iran, i.e., pre-modern works not yet influenced by the mainstream Western modernism. A "work" or "work of art", as meant by this article, includes any human artifact made thoughtfully and consciously, including "art objects" or "handicrafts". However, it should be borne in mind that traditionally

applied and artistic works were not two distinct types, with the artist being the same craftsman and the traditional concept of profession being on the same par with that of art (Guenon, 1982, p. 74). In other words, the works were not made simply for decorative and aesthetic aspects, rather to meet a specific need and with a special application, i.e., the applied and aesthetic aspects were taken into account at the same time (Burckhardt, 1986, p. 204). Speaking of traditional artwork, it included a wide range of applicable objects used for the traditional life.

4. WHAT IS A WORK OF ART?

Through his special creation, enjoying both a physical and a spiritual dimension, man possesses the capacity to create works that are not merely "objects" but contain signification and are rich in content, in addition to having concrete and material forms. They are "objects" in this respect[1]. Because they can also refer to other concepts and objects, they are called works. A work of art is distinguished from other man-made objects for its signification and content. In other words, art helps uncover something become manifest. Thus, artwork is not merely a combination of materials; rather contains specific signification. In the meantime, the language of artwork is one of referral and this allegorical and referral aspect of the artwork causes quality difference between an artwork and other objects.

An artist man explores truth in the mind through discovery and intuition, then uses imagination and innovation to express what cannot be expressed through matter and to transform a non-perceptible thing into a perceptible one, thus moving from one world to another or from the inward to the outward (Madadpour, 1993, p. 10). Having said this, art is the perceptible manifestation of a non-perceptible thing (Madadpour, 1992, p. 96). However, this is not the end. A work of art conveys this signification. Every time one comes across a work, this signification, depending on his/her reading capacity, can be transferred from the work to him/her, with the work of art playing a role in the opposite direction; it is s/he who creates a semantic content by means of a material body. This time man first perceives the physical and perceptible body and then has a deeper meaning imprinted in his/her imagination.

Traditionally speaking, works were fabricated to underlie the "basis" of thinking and contemplation, while being commensurate with its own application, thereby binding one to something else except for the mere physical state and assisting him/her to promote to a more transcendental quality based on his/her capacity (Guenon, 1982, pp. 131-132). Hence, art, on the one hand, can be seen as a product of descending path of creation mediated by human as an artist, and on the other hand, seen as having a status in the ascending path on which man travels through and returns to the origin. On the path from truth to creation, the material and degraded form of truths received and his/her occult and imaginary observations as well as the time sought to reascend to the truth from creation could be seen (Shajari & Tabatabaei, 2016, pp. 36, 40).

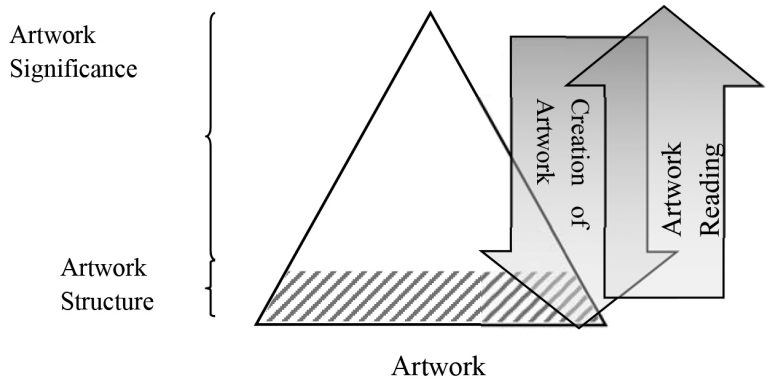

Fig. 2. Creation and Reading of a Work of Art

5. SIGNIFICATION IN ISLAMIC ART

As stated, a work of art is characterized by its semantic content which distinguishes it from other human artifacts. Now, one needs to concern what signification is within traditional and Islamic arts.

Looking at tradition in a traditional society, human mainly focuses his attention on spiritual and esoteric affairs. Accordingly, man is not perceived to be mortal and confined to his physical body in the material world. Rather, his main goal is the Hereafter following death (going through matter) and spiritual transcendence. Thus, the very existence of this man in this world is a prelude to his immortality in the world to come (Vosoughzade, Hasani Panah, & Alikhani, 2017, p. 57). According to this train of thought, all human conducts are made spiritual in all aspects and get formed in return to God. Based on this view, and recognizing the fact that man lives in a world with only an origin and one center, one could say that man's conducts, his living and death are all for God[2]. Thus, human life, his deeds and thoughts are centered towards that unified center (Nasr, 2001, p. 133) which shapes all human behaviors, activities and forms.

Thus, according to traditions, everything was seen being

far higher than the relevant existence, with traditional spaces as following consequential thinking governing its creator having a center and axis referring to eternity, heaven, divinity, and the Creator of the universe (Naghi zade, 2003, p. 177). Put it simply, human artifacts were aimed at meeting subsistence needs; and since man always viewed the higher world, the artifacts could be built on another level aiming to facilitate the approach towards a higher truth. Hence, traditional works of art reminds of spiritual values (Ibid, p. 180). Therefore, the human inclusive thinking in the tradition period, focusing on the transcendental world, used to shape the general semantic content of works of art; however, one would say differences and plurality in traditional works of art, including Islamic art, originated from the varying needs, factors and underlying conditions. However, what is shared by these works and helps them link together is that traditional works create a kind of spiritual environment which yields peace by creating, thus providing the ground for human spiritual excellence. In general, it can be said that works of art are perfected when superior truths manifest. Using this measure, traditional works of art are all manifestations of shared and similar concepts, serving as different radiations from a light source.

In Islamic arts, like other traditional arts, matter is used to express transcendental signification, and the essence is the conveying of the divine message through imaginary and sensory artistic mediums without differentiating a work of art from the divine message (Madadpour, 2008, p. 21). Thus, works refer to heavenly and sublime signification through codes and similarity (Madadpour, 1992, pp. 97-98). In this connection, basic doctrinal principles are expressed in the form of images and concepts. Included in the most basic principles are the existence of unity in the heart of plurality, hierarchy of closeness to the center, existence of an empty space in the middle, use of abstract plant motifs, focus on the sky and light, and geometry driven by a circle, etc. Thus, in many works of art, one can perceive the spirit of Islamic art, which conveys from the outward to the inward of objects (Madadpour, 1995, p. 133); while the body, form, tools and techniques of all arts do differ, they are all seeking a unified truth (Motakef, 1999, p. 199).

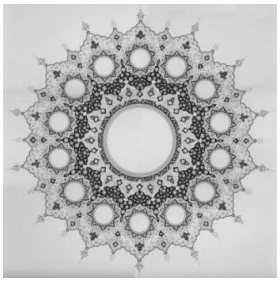

Fig. 3. An Example of Manifestations of Signification and Doctrinal Principles of Art

Therefore, it should be borne in mind that similarities of traditional architectural works are what constitute origin of similarity in content and signification. In other words, commonality of inward affairs makes similarities in outward affairs. This is because all of which refer to a unity albeit differently. Now, according to Mulla Sadra's theory of skepticism, the way signification is shared will be explained.

6. THE CONCEPT OF SKEPTICISM

General concepts are divided into two categories in terms of the quality of truth: Agreed and doubtful. A thing agreed upon is one whose truth is already realized for people as they do not disagree over it. For example, a horse, a tree, and a human equally imply their examples, as no human is more human than a human, or a tree not more tree than the other, or a horse no more horse than its counterpart. However, doubtful is a concept that implies one meaning while having different levels and its truth over examples is different from the views of individuals, with some of them being advantageous over others in terms of truth (Mesbah Yazdi, 2003, p. 367). This difference may lie with strengths and weaknesses, such as "light", covering the dim light of a candle or the dazzling light of the sun all known by the same name (Ibrahimi Dinani, 2015, pp. 65-66). That some general concepts are called doubtful in logic is because they make humans doubts as to the fact whether or not this concept is verbally similar or spiritually common. This is because people, on the one hand, have a common point in it and on the other hand they differ over it. This makes humans doubt what kind of concepts they are (Mozaffar, 2014, p. 65). The "doubtful" categories enjoy different levels. The concept of existence is included in this category and attribution of objects to existence is not the same, as the truth of being attributed to the Almighty God has no limits, cannot be comparable with the truths of other existence (Mesbah Yazdi, 2003, p. 360).

6.1. Existence

For Mulla Sadra, existence constitutes an interconnected hierarchy of the highest to the lowest and the lowest to the highest levels. All beings of different levels enjoy existence. From an outward aspect, they are plural and from an inward aspect, they are united and interrelated (Akbarian, 2009, p. 59).

Skepticism in Transcendental Wisdom arises from

two principles: first principle: the truth of everything being existence and essence arbitrary (originality of existence); second principle: the truth of existence being no more than a truth or type, with creatures being united with each other. Drawing upon this principle, the difference among beings is that of skepticism, as the truth of all is existence (unity of existence) (Mesbah Yazdi, 2012, pp. 98-99). This is to denote what constitutes commonalities in levels is as the same as what is recognized as the cause of difference among them (Ibid, p. 120). Put it simply, this is a feature of existence which is the difference of the same thing widely agreed upon. Considering transcendent wisdom-related skepticism, true similarity is credible in all realms of existence, with the domain of each level of existence reserved for itself as claims of objectivity in two levels of existence is completely ruled out (Naji Esfahani, 2017, p. 122).

For Mulla Sadra, the concept of existence in our minds is no more than a single concept. Therefore, all that is recognized must share an external essence and identity. This commonality and unity are what Sadra calls the "objective truth of existence." This objective truth has levels as well as strengthens and weaknesses as the truth, i.e., existence is a "single truth with levels" (Javadi Amoli, 2003, p. 217). Hence, it is said: existence is a doubtful truth with some levels (Akbarian, 2009, p. 43).

Also, the theory of skepticism derives from two theories of existential unity (in the mystical view) and existential plurality (in a peripatetic view). According to the theory of skepticism, existence has a single truth, which involves strong and weak levels. On the one hand, it is no more than a single truth, and on the other, it is realized in the form of plural external truths. It should also be borne in mind that the principle of skepticism is founded on longitudinal plurality, not on accidental plurality of beings (Ibrahimi Dinani, 2002, p. 95). The theory of plurality (manifestation), unlike skeptical plurality, considers the objective truth of existence to have a true unity, and involves true plurality as regards the skeptical levels of that single truth. Mystics reason that existence, recognized as the external and objective truth, is no more than one. For them, accepting plurality as an undeniable truth does not require accepting the fact that existence prevails over pluralities, but that pluralities are characterized by existence (Yazdan Panah, 2009, p. 161). In other words, mysticism embraces skepticism in representations and manifestations. Put it accurately, skepticism is founded on emergence than on manifestation. This is the emergence which has levels, not existence itself. This claim suggests that evident plurality is not plurality in existence, rather, it is plurality in representations of an absolute existence (Mousavi Azam, 2016, p. 109; Hasani, 2006, p. 21).

The significance of skepticism or hierarchical existence is that "single" is multiplied while being "single", and the "plural" is recognized as single while being "plural". Various levels of existence undoubtedly differ from each other; however, this difference in levels does not in any way impact the unity enjoying different levels. In other words, plurality in unity and unity in plurality are considered to be intrinsic qualities of existence (Ibrahimi Dinani, 2015, p. 142).

6.2. Light

As stated, Mulla Sadra believes in an indescribable essence called existence, which is no more than inward experience or esoteric illumination (Akbarian, 2007, p. 48), founding skeptical levels. Mulla Sadr's thinking is also seen in Suhrawardi, known as Sheikh Ishraq, who introduces the divine essence as the "light of all lights" for all beings, regarding the existence based on levels of light and darkness. In his philosophical theory, he argues that existence is nothing but light, and that whatever is in the world and becomes a being thereafter is light; thus, the world is no more than illumination.

However, some light is dim and some strong, some other light has scattered particles and some dense particles. He argues that the criterion for the difference is the level of light received and this light is the knowledge and consciousness we have. Thus, the entire world is illuminated by the sublime light, without any material or essential bond between the two.

The truth of light is always one. Light is just light and it is not as if dimmer light is made of light and darkness. Dim light denotes the same light which is the strong light. Strengths and weakness characterize light whereas difference in it does not hurt its unity (Ibrahimi Dinani, 2015, p. 288). In sum, light, which, like existence, illuminates objects, has infinite strong and weak levels.

6.3. Beauty

One of the common features of God's creations or human artifacts is beauty. This beauty unfolds in every work and every place in a different form. Despite distinct forms, sense of beauty perceived is the same. One would say that whatever that is beautiful is because it mirrors the attribute of divine beauty, to the extent it can. For this, it is a fixed thing that emerges in different forms of various degrees. As Ghazali put it: "The very beauty, goodness or proportionality being perceptible in this world originates from the beauty and goodness of that world. Thus, the synchronous and melodious song and symmetrical forms are similar to the wonders of that world" (Madadpour, 1992, p. 195). In this connection, the "beauty" of such works is permanent and shall not vanish over time, because it is already bonded to the true beauty and its reflection.

Therefore, the outward truth manifested in various forms in the world is nothing but a luminous one (Khatami, 2014, p. 30). Beauty emerges from light and existence. Hence, speaking of essence and its levels of light, beauty, too has those levels (Ibid, p. 39). Thus, "beauty" is regarded doubtful as "existence"

and "light". Beauty is a single but common spiritual truth. Although strengths and weakness are noted in the levels of beauty, its significations are the same in all cases and levels and applies to one single signification over its examples (Ibid, p. 29).

Divine beauty is manifested throughout the universe. No phenomenon in the universe is void of beauty. They just differ as to the intensity of beauty. Accordingly, other divine attributes can be considered doubtful. This is because the material world embodies God and the divine attributes, with the latter overlapping each other. God is wise, just, passionate, powerful, all-hearing, soul-taking, omniscient, opening, all-seeing, and at the same time beautiful. Hence, the phenomena in the universe are all manifestations of all the divine attributes, albeit to different extents. Each time in each phenomenon some attributes are manifested stronger. In other words, and drawing upon transcendent wisdom, perfect divine attributes between God and other spiritual beings are the same, and this commonality is not just translated into concepts. Using this principle, similarity is truly credible in all existence domains (Naji Esfahani, 2017, p. 122).

7. ANALYSIS AND DISCUSSION

As stated, Islamic works of art are distinguished from other objects in terms of semantic content and reflection of truth and include a wide spectrum of arts. Therefore, these works are highly diverse. Although the use of geometric patterns, specific proportions, Arabesque and plant motifs, motif replicas, the use of Quranic texts in decorations, or of domes, tiles, courtyards in the center, etc. in architecture can create some sort of similarity in physical appearance, beyond these formal similarities, there is a concealed bond in the heart of these works, making all Islamic works of art be considered to be a unit or a family.

Today, our understanding of this wide range of works of art is highly influenced by studies conducted by orientalists. These studies often found late other studies. However, since this understanding pertains to external cultures, it focuses on perceptible and physical aspects of the works, thus unable to express content. Thus, the views of philosophical scholars and sources have served as the basis of thought in the community which can provide a new insight into different works of art.

Skepticism as a subject gradually developed during the history of philosophy and transformed by Mulla Sadra as it founded one of the two main components of Sadra's philosophy. The theory of skepticism has, in philosophy, explained the relationship between plurality and unity in the universe. Therefore, this research employed it to uncover the origin of works of art and the way they are united, which helped formal similarities emerge. It is substantiated through the theory of skepticism that what is common to all Islamic works of art is not but one thing and that is existence, light and beauty (as well as other divine attributes). However, not all works of art enjoy the same capacity to have it, with works of art being more or less capable of expressing the truth. This is while man shall perceive the end, truth and beauty when facing different works of art. The result of this research, based on what has a history in our cultural history, offers a new perspective in recognizing the truth of works of art regardless of material and physical causes and factors.

8. CONCLUSION

A civilization is founded on the thoughts and views of the philosophers and thinkers of that culture and civilization, with cultural values of a civilization emerging from different works of art. In the studies done by orientalists on works of art in Islamic lands, understanding the form and essence of the works is key. This is while, the special feature of a work of art that distinguishes it from other objects is not the outward senses but the very inward signification inside it.

In Islamic arts, because traditional humans mostly concern the affairs beyond matter, the semantic content of the works is actually a reflection of sublime truth and instillment of a space that renders in human spiritual development. Thus, what binds these types of works together is the unified message and content expressed differently. The Skepticism Theory by Mulla Sadra explains the proportion between the emergence of plurality in unity and unity in plurality.

According to Mulla Sadra's theory, it is stated that signification and origin of works of art are a single affair of existence, light and beauty (as well as other divine attributes), as different works of art take benefit of it differently. Using this view and a review of literature, it is said that works of art, while being different in terms of forms, have signification which causes difference and plurality. In other words, all works share signification but to different extents as they refer to the transcendental truth. Put it simply, this plurality results from various degrees of a single thing which explains differences of works as well as their origin of similarity.

END NOTE

1. Al-Ghazali states that if one looks at a piece of poetry or calligraphy and expresses views on its poet or writer, he has seen it as an "effect." But if he looks at it as ink on white paper, he sees it as "an object per se" (Emami Jome, 2006, p. 29).
2. Say, 'Indeed my prayer and my worship, my life and my death are for the sake of Allah, the Lord of all the

REFERENCES

- Abedi, A. (2000). The Gradation in Islamic Philosophy. *Journal of Philosophical Theological Research,* (2) 5-6, 35-47. Doi 10.22091/PFK.2000.450. http://pfk.qom.ac.ir/article_450.html
- Akbarian, R. (2007). The "Essence" from Mulla Sadra's Point of View. *Journal of The Faculty of Letters and Humanities*, 51, 41-68. https://www.magiran.com/paper/561106
- Akbarian, R. (2009). The Place of Man in Mulla Sadra's Transcendent Wisdom. Tehran: Elm.
- Albahnassi, A. (2006). Islamic Art. Mahmoud Pour Aghasi. Tehran: Soore Mehr.
- Burckhardt, T. (1986). Art of Islam, Language and Meaning. Masoud Rajab Nia. Tehran: Soroush.
- Burckhardt, T. (1997). Eternal Values in the Islamic Art. Fundamentals of Spiritual Art: A Collection of Essays. Hossein Nasr. Tehran: Islamic Development Organization IR IRAN.
- Emami Jome, M. (2006). Philosophy of Art Stimming from Mullasadra′s Approach to Love. Tehran: Art Academy.
- Guenon, R. (1982). La Regne de la Quantite et Les Signes des Temps. Alimohammad Kardan Pour. Tehran: Center of Academic Publisher.
- Hasani, H.R. (2006). Unity and Plurality of Existence in Transcendent Wisdom and Mysticism. *Journal of Philosophical Theological Research*, (7) 27, 3-24. doi 10.22091/PFK.2000.450 https://www.magiran.com/paper/389461
- Hoseini, A., Seydi, M., & Hashemi, H. (2018). A Criticism of the Theory of Fakhr Razi on the Quiddity of the Necessary Existence. *Qabasat*, (22) 86, 149-166. https://www.magiran.com/paper/1800427
- Ibn Sina, H. (2000). Taliqat. Qom: Islamic Development Office.
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (1988). Light of Thought and Intuition in Suhrevardi's Philosophy. Tehran: Hekmat.
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (2002). Unity and Plurality of Existence from Point of View of Transcendent Wisdom. *Islamic law Research Journal*, (8,9), 90-103. http://ensani.ir/fa/article/136285/%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA-%D9%88-%DA%A9%D8%AB%D8%B1%D8%AA-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87
- Ibrahimi Dinani, Gh.H. (2015). From Sensible to Intelligible. Tehran: Iran Wisdom & Philosophy Institute.
- Javadi Amoli, A. (2003). Rahigh e Makhtoum. 2. Qom: Asra.
- Kavandi, S., & Qorbani, H. (2010). Ideal of Homonymy and Univocality of Essence in the Opinion of Fakhr Razi and Asir e Din Abhari. *Research Journal of Islamic Philosophy and Theology of Shahid Beheshti University,* (10) 3, 21-51. https://jipt.sbu.ac.ir/article_95060.html
- Khatami, M. (2014). Prolegomena for a Philosophy of Persian Art. Tehran: Art Academy.
- Madadpour, M. (1992). Spirtual Wisdow and Art Realm. Tehran: Islamic Development Organization.
- Madadpour, M. (1993). The Epiphany of theTruth in Art Realm. Tehran: Barg.
- Madadpour, M. (1995). The Manifestations of Spiritual Wisdom in Islamic Art. Tehran: Amirkabir.
- Madadpour, M. (2008). Intimacy Wisdom and Mystical Aesthetic of Islamic Art. Tehran: Soore Mehr.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2003). Philosophical Instructions. Tehran: Amirkabir.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2012). Philosophical Instructions, (2). Qom: Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Motakef, F. (1999). Art and Mysticism. Cistiy-e Honar. Tehran: Islamic Research Center. 198-210.
- Mousavi Azam, S.M. (2016). Semantics, Ontology and Origin of the Analytical Multiplicity in Transcendental Theosophy. *Ontological Researches,* (5)9, 105-125. http://ensani.ir/fa/article/359414/%D9%85%D8%B9%D9%86%D8%A7%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D-B%8C-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D9%88-%D8%AE%D8%A7-%D8%B3%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%87-%DA%A9%D8%AB%D8%B1%D8%AA-%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87
- Mozaffar, M.R. (2014). Description of Mantegh. Mohsen Gharavian. Qom: Darolfekr.
- Naghi zade, M. (2003). The Relationship between Traditional Spaces and the Nature of Man. *Letter of Culture*, 50, 168-185. http://ensani.ir/fa/article/265791/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%AA-%D9%81%D8%B6%D8%A7%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%86%D8%AA%D-B%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D8%B9%D8%AA-%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86
- Naji Esfahani, H. (2017). Revisiting of the Negative and Positive Theologies in the Gradation of Existence Theory. *Comparative Theology*, (7)16, 115-124. http://ensani.ir/fa/article/366342/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DA%A9%D8%A7%D9%88%DB%8C-%D9%85%D8%B3%D8%A3%D9%84%D9%87-%D8%AA%D8%B4%D8%A8%DB%8C%D9%87-%D9%88-%D8%AA%D9%86%D8%B2%DB%8C%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA-%D8%AA%D8%B4%DA%A9%DB%8C%DA%A9%DB%8C-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF

- Nasr, H. (2001). Knowledge and the Sacred. Farzad Haji Mirzaei. Tehran: Farzan.
- Rahmani, G.R. (2002). The Comparative of Aristotle. Qom: Bustaneketab.
- Shajari, M., & Tabatabaei, Z. (2016). Architectural Creativity in Transcendent Theosophy. *Hekmat e Mo'aser, Contemporary Wisdom*, (7) 20, 23-44. Doi: 10.30465/CW.2017.2517 http://wisdom.ihcs.ac.ir/article_2517.html
- Souzanchi, H. (2005). A Short History of Theory of Gradation of Existence. Rahnamoun (11, 12) 93-118. http://ensani.ir/fa/article/62972/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D-B%8C-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87-%DB%8C-%D8%AA%D8%B4%DA%A9%D-B%8C%DA%A9-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF
- Vosoughzade, V., Hasani Panah, M., & Alikhani, B. (2017). Wisdom of Number 8 in Art and Islamic Architecture. *Sophia Perennis*, (13) 30, 175-192. http://ensani.ir/fa/article/396333/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA-%D8%B9%D8%AF%D8%AF-%D9%87%D8%B4%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D9%87%D9%86%D8%B1-%D9%88-%D9%85%D8%B9%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C
- Yazdan Panah, Y. (2009). Fundations and Principles of Theorical Mysticism. Qom: The Imam Khomeini Education & Research Institute.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Kalantari, M., & Saedvandi, M. (2021). Skepticism over the Origin of Similarity of Islamic Works of Art Using Mulla Sadra Perspective. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal*. 14(34), 135-143.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.186092.1882
URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_131916.html

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/